

**Economic challenges in agriculture in the lands of the Eastern Islamic Caliphate  
(Study example: 3rd and 4th lunar centuries)**

*Ebrahim Heydari Darani<sup>1</sup> / Arman Forouhi<sup>2</sup>*

(DOI): [10.22034/SKH.2022.12750.1276](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12750.1276)

**Original Article**

*P 123 - 144*

**Abstract**

Agricultural land has been one of the most basic sources of income for governments, and the rulers, realizing its importance, invested in agricultural land. Considering the important share of agricultural land income in the economy of governments, the present research answers the question of what were the economic challenging factors in agriculture in the third and fourth lunar centuries in the lands of the Islamic Eastern Caliphate. This research answers the question by using descriptive-analytical approach and referring to library sources. The hypothesis of the research is based on the fact that the lack of proper management of the rulers along with some environmental factors has created challenges for agriculture in these centuries. The findings of the research show that factors such as insecurity, multiple changes of land ownership, the expansion of feudal lands and the reduction of peasants' power, the absence of an efficient tax system and collection of tribute, the influence of rulers' policies and some environmental factors, such as earthquakes, are among the important challenging factors for agriculture in the lands of the Eastern Islamic Caliphate in the third and fourth lunar centuries.

**Keywords:** agriculture, land, village, city, tribute.

1 - Master's student in Islamic History, University of Tehran, Iran. (Ebrahim.heydari.d@ut.ac.ir)

2 - PhD student, Islamic history, Isfahan University, Iran. (Arman.Forouhi@yahoo.com)

Received: 2022/01/10 | Accepted: 2022/08/07



## چالش‌های اقتصادی در کشاورزی سرزمین‌های خلافت شرقی اسلامی

(نمونه پژوهی قرون سوم و چهارم قمری)

ابراهیم حیدری دارانی<sup>۱</sup> | آرمان فروهی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2022.12750.1276](https://doi.org/10.22034/SKH.2022.12750.1276)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۱۴۴/۱۲۳

چکیده

زمین‌های کشاورزی یکی از اساسی‌ترین منابع درآمدزایی برای حکومت‌ها بوده است و فرمانروایان با درک اهمیت آن روی زمین‌های کشاورزی سرمایه‌گذاری می‌کردند. با توجه به سهم مهم درآمد زمین‌های کشاورزی در اقتصاد حکومت‌ها، پژوهش حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد که عوامل چالش‌زای اقتصادی در کشاورزی قرون سوم و چهارم قمری در سرزمین‌های خلافت شرقی اسلامی چه بوده است. این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با رجوع به منابع کتابخانه‌ای به پرسش مد نظر پاسخ می‌گوید. فرضیه پژوهش بر این استوار است که عدم مدیریت درست فرمانروایان کنار برخی عوامل محیطی چالش‌هایی را برای کشاورزی این قرون ایجاد کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عواملی، همچون ناامنی، تغییر چندباره مالکیت اراضی، گسترش اراضی اقطاعی و کاهش قدرت دهقانان، عدم وجود نظام کارآمد مالیاتی و اخذ خراج، تأثیر سیاست‌های فرمانروایان و برخی عوامل محیطی، مانند زلزله، از عوامل مهم چالش‌زا برای کشاورزی در قرون سوم و چهارم قمری در سرزمین‌های خلافت شرقی اسلامی بوده است.

**کلیدواژه:** کشاورزی، زمین، روستا، شهر، خراج.

<sup>۱</sup> - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تهران، ایران. (Ebrahim.heydari.d@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> - دانش‌آموخته دکتری، تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان، ایران. (Arman.Forouhi@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۶



## ۱- مقدمه

کشاورزی یکی از منابع مهم درآمدزایی حکومت‌ها در فلات ایران و منطقه بین‌النهرین در دوران باستان و اسلامی بوده است. این منطقه به دلیل آب و هوای متنوع و اراضی مناسب برای کشاورزی شرایط مطلوبی برای کشاورزی داشته است. در دوره اموی اقداماتی برای بهبود زیرساخت‌های آبیاری و افزایش خراج حاصل از زمین‌های کشاورزی صورت گرفت که از جمله می‌توان به احیای زمین‌های نهر «الصین» در ناحیه کسگر، نهر «نیل» و نهر «زابی» (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۰۱-۲۹۸) و صرف هزینه سه میلیون درهمی برای ایجاد سد روی برخی از رودهای عراق، توسط حجاج بن یوسف ثقفی، اشاره کرد. (ابن‌رسته، ۱۳۸۰: ۲۱۷-۲۱۵) با روی کار آمدن خلافت عباسی و ساخت شهر بغداد توجه به این حرفه، احداث و بازسازی زیرساخت‌های کشاورزی بیشتر شد. (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۲ و ۴۱۶؛ طبری، ۱۳۷۵: ج ۱، ۱۴۶، ۶۰۶)

اهمیت خراج تأمین‌شده از روستا و وابستگی حکومت‌ها به این درآمد از یک سو و تأمین خوراک شهرها، که در این قرون با شکوفایی خاصی همراه بودند، و تلاش خلفای عباسی در بهبود زیرساخت‌های آبیاری از سویی دیگر (الدوری، ۱۳۹۴: ۳۱۸-۳۱۷) نوید پیشرفت بیشتر کشاورزی نسبت به گذشته را داشت. اما بروز برخی تحولات سیاسی، مانند روی کار آمدن حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در مناطق مختلف ایران و گسترش نظامی‌گری، به ایجاد تغییراتی منجر شد که اثرات آن بر قشر کشاورز نیز محسوس بود. آنچه در این پژوهش مورد توجه است، اثرات این تغییرات بر بخش کشاورزی در قرون سوم و چهارم قمری در سرزمین‌های خلافت شرقی جهان اسلام<sup>۱</sup> است.

برای موضوع پیش‌گفته پژوهش‌هایی انجام شده است که یا از نظر محدوده زمانی یا از بُعد جغرافیایی با این پژوهش اختلاف داشته یا به همه عوامل منفی اثرگذار بر کشاورزی ورود نکرده است. لمبتون در کتاب تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، فصل دوم تا ششم اثر خود را به آبیاری، اخذ خراج و مالکیت زمین و با تکیه بر دوران سلجوقی و محدوده ایران اختصاص داده و در دیگر اثر خود مالک و زارع در ایران، با تکیه بر روابط مالک و کشاورز، توضیحات مختصری به روابط این دو عامل مهم در کشاورزی در محدوده زمانی این پژوهش داشته است.

<sup>۱</sup>. منظور از سرزمین‌های خلافت شرقی اسلامی، مناطق تحت حکومت خلفای اسلامی (خاندان عباسی) به مرکزیت بغداد است که منطقه بین‌النهرین در عراق عرب تا رودخانه سیحون در ماوراءالنهر را شامل می‌گردد. به دیگر بیان تقسیم‌بندی جغرافیدان شهیر «گی لسترنج» مبنای تعریف این پژوهش برای شرق خلافت اسلامی قرار گرفت. (ر.ک: لسترنج، ۱۳۷۷)

منصوره کریمی قهی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر شرایط اقلیمی و سیاست گذاری‌های اقتصادی بر انحطاط اقتصادی شهر بغداد در عصر خلافت عباسی» تنها به تأثیر عوامل طبیعی در کشاورزی و در جغرافیای شهر بغداد اشاره داشته و به سایر عوامل اشاره‌ای نکرده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «*The Decline*» نوشته نصرت و الأنصاری نیز عوامل اثرگذار بر کاهش خراج را در محدوده عراق بررسی کرده است.

اشاره‌ای گذرا به عوامل مؤثر بر کشاورزی در جغرافیای عراق در دوران آل بویه نیز در مقاله تویب اوجانگ با عنوان "*The Economic Factors of the 'Abbasid Decline During the Buwayhid Rule in the Fourth/Tenth Century*" از دیگر پژوهش‌های انجام‌شده درباره این موضوع است. در مجموع، نوشته‌های بالا مسئله مقاله حاضر را واکاوی نکرده‌اند و از این دید پژوهش حاضر در نوع خود نو محسوب می‌شود. در ادامه، چالش‌های مؤثر بر اقتصاد کشاورزی در قرون سوم و چهارم قمری در سرزمین‌های خلافت شرقی جهان اسلام بررسی خواهد شد.

## ۲- عوامل چالش‌زای اقتصادی در کشاورزی

کشاورزی یکی از پیشه‌ها و فعالیت انسانی قدیمی محسوب شده و برای رسیدن به موفقیت در انجام آن، افزون بر وجود شرایط لازم در محیط پیرامون، به وجود دانش، تجربه، زیرساخت‌های لازم و مدیریت صحیح نیاز داشته و عدم وجود هر کدام از موارد مذکور در عدم تحقق نتیجه مثبت و نیل به موفقیت اثرگذار است. در این قسمت به عوامل مهم چالش‌زا بر این پیشه در بازه زمانی مذکور، اشاره خواهیم داشت:

### ۲-۱- ناامنی

یکی از خدمات مهم ارائه‌شده توسط حکومت به شهروندان تحت فرمان خویش، ایجاد امنیت است. البته امنیت مؤلفه‌های فراوانی دارد. اما منظور از امنیت در این مبحث امنیت جانی، نبود نزاع و وجود آرامش بوده که در سایه آن بتوان به فعالیت‌های روزانه پرداخت. یکی از عوامل چالش‌زا بر پیشه کشاورزی در همه دوره‌های تاریخی نبود امنیت است. در بازه زمانی این پژوهش نیز نبود امنیت یکی از دلایل اثرگذار بر تخریب اراضی کشاورزی بود. عواملی که در از بین رفتن امنیت روستاها (اصلی‌ترین مکان انجام کشاورزی) مؤثر بود عبارت است از:

### ۱-۱-۲- جنگ

پدیده شوم جنگ همواره در تخریب زیرساخت‌ها و تضعیف ملل نقش مهمی داشته است. کشاورزی نیز از نتایج مخرب جنگ میان دو حکومت بی‌نصیب نبوده و این عامل در تخریب زیرساخت‌های کشاورزی و از بین رفتن محصولات کشاورزی نقش بسیار پررنگی داشته است. گرچه نبردهای نظامی در تاریخ یکی از عوامل تخریب و از بین رفتن زیرساخت‌های کشاورزی و تمدن‌ها بوده است، اما مورد اخیر در قرن سه و چهار قمری به علت وجود حکومت‌هایی، همچون طاهریان، علویان، صفاریان، سامانیان، آل‌زیار و آل‌بویه، در ایران، که هر کدام بر بخش‌هایی از پهنه وسیع خلافت اسلامی حکومت کرده و در صدد افزایش قلمروی خود بودند، به شدت دیده می‌شد.

همچنین جنگ‌های مسلمین با دول همسایه یا درگیری‌های میان حکومت‌های اسلامی نیز اثرات زیانباری برای روستاها، که پیشه اصلی ساکنان آن کشاورزی بود، داشت. ناامنی ناشی از جنگ‌ها بدین‌گونه بود که لشکر شکست‌خورده در مسیر عقب‌نشینی خود، به روستاهای مسیر حمله کرده و به غارت مواد غذایی و احشام ایشان می‌پرداخت یا به علت عدم موفقیت در فتح، می‌کوشید حداکثر خسارت را به رقیب بزند.

منابع از به آتش کشیدن ده روستا و از بین بردن اراضی کشاورزی توسط ارتش روم در مناطق مصیبه و طرسوس در سال ۳۵۳ قمری یاد کرده‌اند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۵۳؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۴۶) هر چند به مواردی نیز برمی‌خوریم که لشکریان به خرید تدارکات خود از روستاییان کشاورز می‌پرداختند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۷۰) اما بسیار نادر بوده است. از طرفی مصائب چنین جنگ‌هایی، جدا از به مخاطره انداختن امنیت و چپاول آذوقه، به خاطر تأمین سرباز از روستا (نرشخی، ۱۳۶۳: ۱۰۷) یا قتل و غارت مردان و زنان، که نیروی اصلی پیشه کشاورزی بودند، گریبان روستاییان را می‌گرفت.

در عراق و به‌ویژه در قرن چهارم به دلیل ضعف اقتصادی و بالا رفتن قیمت ارزاق و سقوط ارزش درهم، (Tholib, 2009: 355) قیام‌های زیادی در واکنش به ظلم و مشکلات معیشتی رخ داد که جنبش قرامطه در عراق (Tholib, 2009: 355) و قیام زنگیان در بصره، که منجر به تخریب بخش‌های زیادی از اراضی سواد شد، (Nasrat and Al-Ansari, 2020: 258) از مهم‌ترین این قیام‌ها بود. قیام‌های مذکور باعث ایجاد ناامنی، از بین رفتن اراضی کشاورزی و غارتگری می‌شد.

افزون بر جنگ میان دو یا چند حکومت، جنگ‌های داخلی میان شاهزادگان یا افراد قدرتمند بر سر کسب قدرت در زمان افول یک حکومت نیز در بروز ناامنی و تخریب اراضی کشاورزی مؤثر بود؛

به طور مثال، درگیری میان مستعین و معتز، که نزدیک به ده ماه طول کشید، همراه تخریب زیرساخت‌های آبیاری بود که همین عامل به ایجاد شرایط نامناسب برای کشاورزان عراق منجر شد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۸، ۹) همچنین در درگیری ابن رائق و بجکم اتفاق مشابهی رخ داد که خساراتی را برای کشاورزان همراه داشت. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۵، ۵۱۴) در مناطق شرقی ایران نیز ابن فندق از تخریب کاریز منطقه ششتمد (زادگاه خویش) توسط حمزه آذرک به سال ۲۱۳ قمری سخن می‌گوید. (ابن فندق، ۱۳۶۱: ۴۴) همچنین نزاع بر سر آب برای کشاورزی در مناطقی که کمبود آب داشت، از دیگر عوامل تضعیف امنیت در روستا به حساب می‌آید. (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۷۶) جدا از موارد یادشده گاهی حملات اقوام کوچرو و بیابانگرد در تضعیف امنیت اثرگذار بود. این گروه هرگاه با مشکل تأمین مواد اولیه و غذایی مواجه می‌شدند، چشم به روستاها، که شیوه معیشت ایشان پایدار و براساس سرمایه‌گذاری روی اراضی کشاورزی و منابع تولیدی بود، می‌دوختند و اگر کسی به دفاع از خود برابر آنان می‌پرداخت، به منزله اعلان جنگ با ایشان بود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳: ج ۱، ۵۹۱) افزون بر محصولات کشاورزی، برخی افزارمندان ساکن در روستا از جمله آهنگران به علت ساخت سلاح برای این مردان جنگی، مورد توجه قرار گرفته و در زمان حمله، به اسارت گرفته می‌شدند. (راوندی، ۱۳۵۷: ج ۳، ۲۷۴) در نتیجه کشاورزان از نظر وسایل لازم برای تولید در تنگنا قرار می‌گرفتند.

اهمیت نقش زنان در انجام امور زندگی و رسیدگی به دام و طیور عشایران و انجام امور ریسندگی توسط ایشان و رواج چندهمسری میان کوچروان باعث می‌شد در زمان حمله، افزون بر افزارمندان، دختران روستایی نیز در زمره اسیران قرار گیرند. (راوندی، ۱۳۵۷: ج ۳، ۲۶۷) این مورد نیز در کاهش نیروی کار بر اراضی مزروعی مؤثر بود. وظیفه تأمین امنیت در روستا بر عهده مقامات نظامی، که در شهرها سکونت داشتند، بود و در حقیقت مقامات نظامی تدابیر امنیتی را در روستاها نیز اعمال می‌کردند که در حکم ادامه وظایف سازمان‌های نظامی و امنیتی شهرها بود. (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۹۰) وجود افرادی با عنوان شحنة در مناطق روستایی، که وظیفه ایجاد امنیت را بر عهده داشتند، (ابن فندق، ۱۳۶۱: ۲۷۴) و ساخت قلاع و مسلح‌خانه‌ها در خارج از شهرها در مقابل حملات کوچروان (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۸۱-۱۷۸) نمونه‌هایی از اقدام مقامات نظامی برای تأمین امنیت در روستاهاست. همچنین روستاییان در مناطقی که خطر هجوم اقوام بیابانگرد و چادرنشینان، مانند خراسان، فارس و کرمان وجود داشت، به تجربه دریافته بودند که شکل روستا باید به حالت قلعه‌ای درآید. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۰۳)

ابن‌خرداذبه، ۱۳۷۱: ۳۸؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۹۴) اما با وجود تمام تمهیدات مذکور باز هم حملات اقوام کوچ‌رو یکی از چالش‌های کشاورزان تولیدکننده بود که به ایجاد خساراتی برای روستاییان منجر می‌شد.

## ۲-۱-۲- اختلافات مذهبی

از دیگر عوامل مخل امنیت برای کشاورزان اختلافات مذهبی بود. به علل مختلف مناطق مختلف جغرافیای اسلامی در مسائل مذهبی یکدست نبود. گرچه از نظر مذهبی در بیشتر مناطق، روستاها از شهرهای همجوار خود تبعیت می‌کردند، ولی مثال‌هایی از وجود تفاوت مذهب در روستا با شهر همجوار خود وجود دارد؛ به عنوان مثال این مورد در قرن چهارم در شهر ری وجود داشت که مذاهب حنفی و نجاری در جریان بود. اما روستاهای اطراف گرایش‌های زعفرانی داشتند. (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۵۹۰)

تعصبات مذهبی با ایجاد اختلافات و درگیری، تخریب اراضی کشاورزی و زیرساخت‌های آبیاری بر اقتصاد کشاورزی روستاها اثرگذار بود؛ به عنوان نمونه خوارج با فرمان حمزه آذرک در تخریب زیرساخت‌های آبیاری و ایجاد ناامنی برای کشاورزان روستاهای مناطق سیستان و خراسان نقش مهمی داشتند. (ابن‌فندق، ۱۳۶۱: ۲۶۷) خاندان شیعه اثناعشری در قم نیز از پرداخت خراج به خاندان عباسی به دلایل مذهبی اکراه داشتند و همین عامل به ایجاد شورش در قم و مقابله حکومت مرکزی با ایشان منجر شد. (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶۴-۱۶۳) همچنین می‌توان به قیام زنگیان در روزگار معتمد عباسی، که کشاورزان نقش مهمی در آن داشتند، اشاره کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ۷۶) که باعث ایجاد خسارت و تخریب در مناطق مختلف اهواز شد. (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۰۸) به طور کلی می‌توان گفت گرچه این عامل نسبت به مورد پیشین اثرات منفی کمتری بر روستا داشت، اما پایگاه قرار دادن روستا برای امور نظامی از سوی برخی اندیشه‌های مذهبی، در تخریب اراضی و زیرساخت‌های آبیاری مؤثر بوده و یکی از عوامل چالش‌زا برای پیشه‌کش‌های کشاورزی محسوب می‌شد.

## ۲-۲- گسترش اقطاع و کاهش قدرت دهقانان

دهقانان یکی از گروه‌های مالک زمین بوده که از دوران ساسانی به زمین‌داری مشغول بودند. در دوره ساسانی دهاقین به دلیل معرفت و آگاهی که از مملکت و مردم داشتند، می‌توانستند مخارج سنگین دربار و جنگ‌های پرمصرف را بدون آنکه مردم مستأصل شوند تأمین کنند. (کریستنسن،

۱۳۸۲: ۱۷۰-۱۷۱) بدین ترتیب نقش دهقانان در پیش‌برد امور مملکت ساسانی بسیار مهم و ارزنده بود. ایشان پس از ورود فاتحین عرب نیز امتیازات خود را حفظ کردند. اما تحولات سیاسی-اقتصادی این دوره (قرن چهارم) به از دست رفتن نفوذ سیاسی و نظارت ایشان بر اداره اراضی کشاورزی منجر شد که اثرات منفی را بر بخش کشاورزی همراه داشت.

با تأسیس حکومت آل بویه و با توجه به اینکه اساس این حکومت بر پایه نظامیان استوار بود، یکی از مشکلات این حکومت پرداخت مستقیم حقوق سپاهیان بود (بوسه، ۱۳۹۷: ج ۴، ۳۵۳) که همین عامل به شورش‌هایی بر ایشان منجر می‌شد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۲) عمادالدوله، مؤسس سلسله آل بویه، که در زمان حیات خویش خزانه خود را با اموال و هدایای مصادره‌ای از دست‌نشانندگان متمولش پر ساخته بود، توانست با پرداخت نقدی تا مدتی این مشکل را حل کند. اما این روند به خالی شدن خزانه منجر شد و راهکار جایگزینی به وجود آمد. در روش جدید سران آل بویه املاک و اراضی مصادره شده را به عنوان تیول و در عوض مقرری و حقوق به افسران اهدا کردند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۲) در این شکل از اهدا، خود زمین به افراد واگذار نمی‌شد و تنها اجازه بهره‌برداری از عواید و درآمدهای اراضی به افراد سپرده می‌شد.

درحقیقت وجود وخامت مالی دولت علت رواج اقطاع بود؛ به بیان بهتر، از دیدگاه دوری پیش از فتح عراق توسط خاندان دیلمی آل بویه، این شکل از پرداخت وجود داشت؛ (الدوری، ۱۹۹۵: ۴۸) زیرا معزالدوله و فرزندش، عزالدوله، که به کرات از اقطاع داده شده به فرماندهانش در عراق یاد شده است، (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۲) نمی‌توانستند بدون داشتن سابقه، این شکل از پرداخت مقرری را رواج داده باشند. نظارت بر این شکل از اقطاع به دیوان جیش واگذار شد که وظایفی از جمله قیمت‌گذاری و ارزیابی املاک و نظارت بر نگهداری صحیح از اقطاع و باز پس‌گیری و تقسیم دوباره آن را بر عهده داشت. (لمبتون، ۱۳۷۲: ۱۱۲)

گرچه این روش می‌توانست به علت جایگزینی تولید به جای خلق نقدینگی در بهبود اوضاع اقتصادی مؤثر باشد و نخست نیز توانست مشکل را حل کند و بار مالی حکومت را سبک کند. اما به علت اجرای غلط در بلندمدت خساراتی را برای اقتصاد کشاورزی همراه داشت. اقطاع‌گیرندگان وظیفه رسیدگی به اراضی کشاورزی و حراست از تأسیسات آبیاری را به عهده داشتند؛ وظایفی که تا پیش از این دهقانان به انجام آن موظف بودند. اما از آنجاکه این عمل مستلزم انجام هزینه روی زمین بود و از درآمد حاصله می‌کاست، برای ایشان مقرون به صرفه نبود و به انجام آن مبادرت نمی‌ورزیدند. (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج ۲، ۶۳) از طرفی آنها این اجازه را داشتند که در صورت تأمین



نشدن نیازهای مالی خویش، اراضی را به دیگری واگذار کنند. بنابراین در عمل، وظیفه مذکور توسط ایشان محقق نشد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۳)

مقطعان تنها در فکر رسیدن به حداکثر سود در کمترین زمان ممکن بودند و زمانی که این هدف محقق نمی‌شد، اراضی و املاک خود را با اراضی بهتر تعویض می‌کردند و گرچه دیوان جیش وظیفه نظارت را بر عهده داشت، اما در عمل مقطعان از جانب حکومت مورد بازرسی قرار نمی‌گرفتند؛ زیرا هدف از انجام این عمل (اقطاع دادن) توسط حکومت، جدا از تأمین حقوق نظامیان، تشویق ایشان به انجام کارهای مهم‌تر در ازای دریافت پاداش‌های بهتر بود. (لمبتون، ۱۳۶۲: ۸۵)

از طرفی وزرا شروع به گرفتن رشوه از اقطاع‌داران کرده و اراضی اقطاعی را متناسب با حال اقطاع‌گیرنده قیمت‌گذاری می‌کردند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۲) کم‌کم ادامه این روند به بروز تغییر و تحولاتی منجر شد. تاوقتی از مالکان اراضی سلب مالکیت نشده بود و حقوق انتقال زمین داشتند، مالیات را به جای حکومت به مقطع می‌پرداختند. آن دسته که توانایی پرداخت مالیات‌های کمرشکن مقطعان را نداشتند یا مجبور به ترک اراضی می‌شدند که باعث افول کشاورزی می‌شد یا برای حفظ املاک در پی کسب حمایت افراد متنفذ برای پرداخت مالیات کمتر بودند (التجاء). در نتیجه دهقانان و ملاکین با از دست دادن مالکیت خود بر زمین به دلیل مشکلات مالی به کشاورزان معمولی و صاحب سهم از محصولات بدل شدند. نتایج همه این امور، ضعف در کشاورزی بود.

اقطاع‌داران با از بین رفتن سود زمین، اراضی را به دولت داده و اراضی دیگری را طلب می‌کردند. این پدیده می‌توانست در عرض چند سال کوتاه رخ دهد که نتیجه آن کاهش درآمد اراضی بود. براساس تحقیقات، درآمد سالیانه اقطاعات در سال ۳۷۶ قمری برای هشتصد نفر از سربازان (پانصد دیلمی و سیصد گُرد) زیر هزار هزار دینار بوده است که به طور میانگین برای هر نفر زیر صد بیست و پنج دینار می‌شود؛ با توجه به تخمین دوری مبنی بر درآمد سیصد و شصت دینار برای اداره یک زندگی متوسط درآمد بسیار اندکی است. (الدوری، ۱۹۹۵: ۲۸۲-۲۸۱)

صاحب تجارب‌الأمم به‌خوبی اثرات مخرب اقطاع بر کشاورزی را بیان کرده است: هرگاه کشورداری، بر شیوه نادرست پایه‌گذاری شود، گرچه در آغاز کار پنهان بماند، با گذشت زمان آشکار خواهد شد... شکستن پیمان اقطاع‌ها فراوان دیده می‌شد؛ سپاهیان اقطاع خود را ویران می‌کردند و آنها را به عنوان ویرانه به دولت پس می‌دادند و عوض آن را از بخش‌های پرسودتر می‌گرفتند. اقطاع‌های پس داده شده به فئودال‌هایی واگذار می‌شد که می‌خواستند سود و زیان را سرشکن کنند و از آنچه هست بدون تغییر دادن آنها بهره‌برداری کنند؛ زیرا اقطاع‌گیران وقتی به این

اقطاع‌ها بازگشته بودند که ویران و درهم شده، ملاک‌های قدیم قیمت‌گذاری ناپود و فراموش شده بود. با گذشت سال‌ها درخت‌ها پوسیده، قنات‌ها خشکیده، ابزارهای کار از میان رفته بود. پس به-ناچار بیمان‌های نوین اقطاع را با وضع موجود، که در حداکثر پستی و کم‌ارزشی بود می‌بستند... اقطاع‌گیران، تنها وابستگان و نمایندگان خود را بر سر کار می‌گماردند. پس در آنچه به دست ایشان رخ می‌داد دقت نمی‌کردند و راه بهتر برای بهره‌برداری بیشتر، جستجو نمی‌کردند... عادت بر آن بود که خوب را بردارند و بد را واگذارند و عوض آن را از دولت بخواهند و آنچه را به دست ایشان ویران شود به دولت پس بدهند. بار همه این دشواری‌ها نیز بر دوش کشاورزان بینوای بومی سرزمین بود که برخی از آنجا گریخته، برخی به زیر بار کمرشکن زندگی خرد شده، برخی برای امان یافتن از شر فئودال، زمین خود را بدو واگذارده و به کارگر کشاورز تبدیل می‌شدند. روستاها از آبادانی بازماند، دیوان‌ها بسته شد، دفترداری و کارگزاری ناپود شد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۳-۱۳۲)

درحقیقت با روی کار آمدن نظامیان و افراد ناآشنا به مدیریت اراضی مزروعی به جای دهاقین، ایشان در پی کسب حداکثر سود در کمترین زمان ممکن بودند و از آنجا که توانایی اراضی کشاورزی در ایجاد محصول در گرو رعایت اصول درست کشاورزی بود و این اصول توسط مالکان جدید و کم‌تجربه رعایت نمی‌شد، به مرور توانایی اراضی در تولید محصول کافی کم شد و این به نوبه خود در کاسته شدن توان زمین کشاورزی و کاهش خراج مؤثر افتاد. این در حالی بود که دهقانان در سالیان دراز با آشنایی به اصول زمین‌داری و کشاورزی و رعایت دو اصل مهم کشاورزی (تناوب و آیش) در بهبود عملکرد محصولات تأثیر مثبت داشتند؛ عملکردی که به تقویت زمین‌های کشاورزی و افزایش خراج و در نتیجه بهبود جایگاه روستا منجر می‌شد. موارد مذکور، به کاهش قدرت دهقانان و جایگزین شدن افراد بی‌تجربه در اداره اراضی به جای ایشان منجر شد و نتیجه آن همانگونه که مسکویه نیز اشاره کرده است تخریب اراضی کشاورزی بود.

### ۳-۲- مالیات‌ستانی و ظلم محصلین مالیاتی

مالیات اراضی کشاورزی از مهم‌ترین منابع درآمد برای حکومت‌های مختلف بود. ایران به دلیل داشتن تنوع آب و هوایی از یک‌سو و نواحی حاصل‌خیز بین‌النهرین به دلیل موقعیت طبیعی مناسب برای کشاورزی از سوی دیگر، در رونق کشاورزی و بهبود شرایط مالی حکومت‌ها مؤثر بودند. مقدار و میزان مالیات به عوامل مختلفی، مانند آبیاری (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۰۷) نوع زراعت و نوع محصول، نوع زمین و نوع تصرف آن، قیمت‌ها، کمیت محصول و... بستگی داشت. اما عامل تعیین‌کننده در

اندازه و نحوه تعیین مالیات آداب و رسومی بود که در هر منطقه جاری بود. (لمبتون، ۱۳۶۲: ۸۸)

در حالت کلی محاسبه مالیات از سه روش مقاسمه، مساحت و مقاطعه پیروی می‌کرد. در این میان بهترین حالت برای کشاورزان، که موجب آسودگی خاطر ایشان می‌شد، روش مقاسمه بود. در این روش زمانی که کشت محصول خوب بود، کشاورز افزون بر دریافت سهم خود از محصول، خراج را نیز به حکومت پرداخت می‌کرد. اما زمانی که بنا به دلایل عوامل طبیعی گوناگون، همچون آفت، سیل و کمبود آب یا نابودی و غارت محصول توسط اقوام کوچرو و...، محصولی وجود نداشت، کشاورز نیز می‌توانست از بار پرداخت خراج شانه خالی کند؛ موردی که در روش‌های دیگر همچون مساحت وجود نداشت. از طرفی این روش یک عیب بزرگ هم داشت و آن اینکه پیشرفتی در کشاورزی حاصل نمی‌کرد؛ زیرا کشاورز انگیزه‌ای برای ایجاد رونق در کشاورزی خود نمی‌دید. (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۰۸)

در مناطق مختلف و در زمان خلفای گوناگون روش دریافت خراج متفاوت بود؛ به طور مثال در قم و بنا به گفته قمی، روش مساحت برای دریافت خراج استفاده می‌شد و اصطخری از همین روش برای اخذ خراج فارس یاد می‌کند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۶) اما در برخی از مکان‌ها و بنا به صلاحدید برخی از فرمانروایان و وزرا، دریافت خراج به صورت مقاسمه بود. پس از مرگ منصور و با روی کار آمدن مهدی عباسی، ابوعبیدالله عهده‌دار وزارت شد و وی روش مقاسمه را در سرزمین‌های اسلامی دوباره برقرار کرد. (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۸۷؛ ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ۲۴۷)

علاقه حکومت‌ها به کشاورزی به دلیل عواید حاصل از آن بود و حکومت تلاش می‌کرد همواره به این عایدات اضافه کند. اما از آنجایی که توان زمین برای تأمین این درآمدها مستلزم رعایت اصول کشاورزی (رعایت اصول آیش و تناوب) بود، هر حکومت باید نیازهای خود را در یک دوره زمانی مشخص محدود می‌ساخت تا از این راه به حیات خود ادامه دهد. (لمبتون، ۱۳۷۲: ۲۰۳)

به دلیل مشکلات مالی، سران حکومت اولین راه برای تأمین نیازهای خود را دریافت خراج از روستاییان دانسته و از آنجاکه کشاورزان در این جغرافیا خلاف اروپا حالت صرف نداشتند، با ترک اراضی خود صدمات جبران‌ناپذیری به کشاورزی می‌زدند. گاهی با ترک اراضی توسط کشاورزان خراج ایشان توسط حکومت بر باقی‌ماندگان سرشکن می‌شد که آن را «تکمله» نامیده و باعث افزایش فشار روی کشاورزان می‌شد؛ به گونه‌ای که این فشار کشاورزان را ناامید می‌کرد. در سال ۳۰۳ قمری و همزمان با خلافت مقتدر فشار تکمله دریافت شده از مردم فارس به حدی خردکننده بود که توسط فقها غیرقانونی اعلام، و دریافت آن ملغی شد. (متز، ۱۳۶۴، ج ۱، ۱۳۶)

به طور کلی سخت‌گیری در دریافت خراج در حکومت‌های مختلف شایع بود و از آنجاکه بیشتر حاکمین دید بلندمدت نداشته و تلاشی برای بهبود زیرساخت‌های کشاورزی انجام نمی‌دادند، درآمد

همواره از آنچه حکومت انتظار داشت کمتر بود و این عامل باعث تأخیر در پرداخت خراج سالانه می‌شد. گاه اتفاق می‌افتاد که بخشی از خراج یک قسمت طی سالیان جمع شده و روستایی از پرداخت آن عاجز بماند. در این زمان کشاورزان علاوه بر ترک زمین یا متواری شدن (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶۲) سر به شورش نیز برمی‌داشتند. قمی از شورش چندین باره مردم قم به خاطر ظلم محصلین مالیاتی در زمان خلافت معتصم و مستعین یاد کرده است. (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶۳) حکومت بسته به شرایط مالی خود به دریافت خراج اضافه نیز می‌پرداخت و این مازاد را در اموری همچون لشکرکشی یا امور اجتماعی به مصرف می‌رساند. (لمبتون، ۱۳۶۲: ۱۱۲)

هرچند گردیزی از نصایح حاکمان طاهری درباره رعایت حال کشاورزان عباراتی نقل کرده است (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۰۲) یا در تجارب‌الأمم از سهل‌گیری عضدالدوله بر کشاورزان در ناحیه عراق اخباری آمده است، (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۴۸۰) اما باید دانست جز موارد ذکرشده، همواره به عناوین گوناگون مالیات‌های اضافه از روستاییان دریافت می‌شد. در ایران به بهانه‌هایی همچون هدیه «نوروز و مهرگان» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶۵) و در عراق با عناوینی چون «رزق عامل»، «اجر مدی»، «مزد وزن کنندگان» و... مبالغی اضافه دریافت می‌شد. (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۶۸)

#### ۴-۲- تغییر چندباره مالکیت زمین

نبود یک نظام مشخص و ضابطه‌مند در امور، نتایج مخرب و زیانباری را همراه خواهد داشت. در بحث زمین‌داری و مالکیت زمین و تأثیر آن بر جوامع روستایی و پیشه کشاورزی در قرون میانه، این مورد به خوبی مشاهده می‌شود. پس از غلبه فاتحین عرب بر سرزمین‌های تحت حکومت ساسانیان، مهم‌ترین و روشن‌ترین خط تمایز بین تاریخ پیش و پس از اسلام، پذیرش دین جدید از سوی ایرانیان بود. این عامل در رابطه با تقسیم‌بندی انواع زمین و میزان خراج دریافتی از آن مهم بود. نحوه فتح مناطق مختلف، متفاوت بود و در نتیجه زمین‌های فتح شده احکام مختلفی داشته و در یک دسته طبقه‌بندی نمی‌شدند. به طور کلی اراضی در دوران اسلامی در یکی از شکل‌های مالکیت اشتراکی، حکومتی، سلطنتی (خالصه)، وقفی، خصوصی و اراضی اهدایی مشروط (اقطاع) در دوران مد نظر به عمر خود ادامه دادند. (ن.ک: نعمانی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۲۲۹-۱۴۳)

نکته مهم اینکه اکثر اراضی هیچ‌گاه در یک شکل از مالکیت‌های مذکور باقی نمی‌ماند و تغییر چندباره مالکیت زمین و تبدیل آن از یک شکل به اشکال دیگر در ایجاد روند تخریب اراضی روستایی موثر بود. درحقیقت تغییر مالکیت زمین علاوه بر تغییر روابط کشاورز با مالک، بر میزان خراج

دریافتی نیز تأثیر می‌گذاشت و در بیشتر موارد هدف از این تغییر دریافت خراج بیشتر بود که اثرات ناگوار آن تنها بر پیشه کشاورزی و جامعه روستایی وارد می‌شد.

عوامل مختلفی در تغییر شکل مالکیت اراضی مؤثر بودند. تغییر خلفا و حاکمین و سیاست‌های متفاوت ایشان، یکی از عوامل تغییر مالکیت زمین بود؛ به طور مثال در زمان خلفای راشدین و با روی کار آمدن عثمان، سیاست متفاوت خلیفه سوم با دو خلیفه قبلی، باعث کاهش اراضی دیوانی شد. گرچه این اراضی برای دولت اسلامی بود و حکم آن بدین گونه بود که قابلیت خرید و فروش نداشت، (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۸۰) اما عثمان به واگذاری این زمین‌ها به افراد گوناگون اقدام کرد. (بلاذری، ۱۳۳۷: ۳۹۰) با روی کار آمدن امویان پویش کاهش اراضی دیوانی نیز دنبال شد. با واگذاری اراضی دیوانی به افراد گوناگون مهم‌ترین تغییر ایجاد شده، تغییر در میزان خراج بود؛ در نتیجه میزان دریافت خراج کم شد و برای جبران کمبود درآمد فشار مضاعف بر روستاییان و گرفتن جزیه از نومسلمانان از سوی حجاج اعمال شد. (نعمانی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۱۵۷) گرچه با روی کار آمدن حکومت عباسیان و حکومت‌های موازی در قرن سه و چهار در ابتدا، اراضی دیوانی به علت تضاد حاکمین جدید با حکومت پیشین رو به گسترش بود، (نعمانی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۱۵۸) اما پس از استقرار حکومت‌ها با گسترش اراضی اقطاعی و خصوصی (ابن فندق، ۱۳۶۱: ۱۰۷؛ جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۱۴۱) میزان این اراضی نیز کاهش یافت و این یعنی در زمان کوتاهی چندین بار مالکیت اراضی تغییر می‌کرد. از دیگر عوامل مؤثر در تغییر شکل مالکیت زمین و ایجاد رسومی، مانند التجاء، فشار محصلان مالیاتی برای اخذ خراج بود. پیش از این به ظلم و ستم محصلین مالیاتی بر کشاورزان و تأثیر آن در ایجاد اوضاع نابسامان روستا و از بین رفتن امنیت و تخریب کشاورزی اشاره کردیم. باری از دیگر نتایج فشار مالیات و عاملین اخذ آن بر روستاییان، رواج سنت التجا بود که این رسم در تغییر مالکیت زمین اثرگذار بود. التجا یکی از رسوم زمین‌داری بود که در دوران اسلامی نیز به بقای خود ادامه داد و روال کار به این صورت بود که افراد صاحب زمین برای در آمان ماندن از فشار محصلان مالیاتی، ملک و ضیاع خویش را به نام یکی از محتشمان و مقربان خلیفه یا حاکم وقت کرده و صاحب زمین فقط شریک غله و سود آن می‌شد. این املاک در گذر زمان از مالکیت فرد خارج شده و در نتیجه به دارایی‌های سلطنتی بدل می‌شد. گرچه وجود این سنت را در قرون اولیه همچون التجای مردم مراغه به مروان بن محمد، والی ارمنستان و آذربایجان، برای کاهش ستم مأمورین اخذ خراج (زرین کوب، ۲۵۳۶: ۲۶۶-۲۶۵؛ راوندی، ۱۳۵۷: ج ۳، ۲۹۹) می‌بینیم، اما روش التجا در هر زمانی که مردم از سیطره استبداد حکام ظالم و طماع بیم داشتند متداول می‌شد و در قرن چهار قمری به

علت فشار محصلان مالیاتی و گسترش اقطاع این رسم جان تازه‌ای گرفت و رواج یافت (نعمانی، ۱۳۵۸: ج ۱، ۱۷۸) و منابع این دوره از آن سخن به میان آورده‌اند. (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۳۷)

گسترش وقف و دست‌اندازی حاکمین به اراضی نیز از عوامل تأثیرگذار بر تغییر مالکیت زمین بود. وقف با هدف خیرخواهانه صورت می‌گرفت و حقوق شرعی ضمانت چنین عملی بود. گرچه این اراضی شامل موارد فراوان، از جمله زمین‌ها یا بناهای مدارس و بیمارستان، حمام و... می‌شد، اما اراضی مزروعی، دیه‌ها و دیگر موارد مرتبط با روستا و کشاورزی نیز از موارد وقف بودند. (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۲۳۵)

از نظر مباحث مالی و بر طبق شرع اسلام اراضی اوقافی معاف از مالیات بوده و عشر محصول یا درآمد اراضی وقفی به متولی می‌رسیده است. (راوندی، ۱۳۵۹: ج ۴، ۷۴۹) هدف از واگذاری وقف در اسلام این بود که مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی تبدیل شده و منافع آن به جامعه اسلامی برسد. (نوری، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۲۰)

اما گاهی خانواده‌های املاک برای جلوگیری از قطعه‌قطعه شدن زمین و تقسیم آن براساس قوانین ارث به وقف اراضی خود دست می‌زدند. افرادی که با این نیت املاک و دارایی خود را وقف می‌کردند، به طور معمول فرزند ذکور ارشد خود را متصدی اداره موقوفات قرار داده و با این راه علاوه بر جلوگیری از کاسته شدن موقعیت اجتماعی خانواده به دلیل کاهش املاک، مالکیت این اراضی را در نسل‌های بعدی در خانواده خود حفظ می‌کردند. (یوسفی فر، ۱۳۹۰: پاورقی ۲۸۱-۲۸۰)

در سده‌های سوم و چهارم و حتی در دوران خارج از محدوده زمانی این پژوهش یکی از مهم‌ترین اهداف انجام وقف، جلوگیری از دست‌اندازی و ضبط اموال و اراضی توسط افراد بانفوذ بود. (نوری، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۲۱) با شکل‌گیری حکومت‌های جدید بسیاری از اراضی به نفع خاندان سلطنتی مصادره می‌شد و در زمره املاک سلطنتی قرار می‌گرفت و وقف راهکار مناسبی برای جلوگیری از این کار بود؛ زیرا این اراضی غیر قابل انتقال به غیر بود. اما در موارد فراوان شاهد دست‌اندازی خلفا و امرا بر اراضی وقفی نیز هستیم. مؤلف تاریخ قم از دست‌اندازی حاکمان آل بویه بر اراضی وقفی شیعیان اشعری در قم خبر می‌دهد (قمی، ۱۳۶۱: ۲۷۹) یا در تاریخ بخارا به از بین رفتن موقوفات و تغییر کاربری آن در دوران سامانی اشاره شده است. (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۱)

همچنین قاهر هنگام ضبط اموال مقتدر حتی موقوفات وی را از وقف آزاد و آنان را مصادره کرد. (ابن‌العبری، ۱۳۷۷: ۲۲۲) منابع دیگر نیز از نقض وقف و در اختیار گرفتن املاک سخن می‌گویند (جرفادقانی، ۱۳۷۴: ۴۷۴) و این نشان‌دهنده شیوع این امر نه تنها در سده سوم و چهارم، که در طول تاریخ ایران است. دست‌اندازی بر املاک، اختصاص به اراضی وقفی نداشت و سایر اراضی نیز از دست‌اندازی بزرگان بی‌نصیب نماند.

در تاریخ طبرستان به مجبور نمودن و نداد از جانب هارون الرشید برای فروش زمین‌هایش اشاره شده است و از آنجا که و نداد خرید و فروش زمین را عملی ناپسند می‌دانست و از طرفی زیر فشار خلیفه و فرزندش، مأمون، برای فروش قرار داشت، مجبور شد آن اراضی را هدیه کند. (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۹۷-۱۹۸) مقدسی نیز از نابودی آبادی‌های حومه رامهرمز به دلیل دست‌اندازی سلطان یاد کرده است. (مقدسی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۶۱۷) تغییر مالکیت زمین از اشکال رایج به شکل اراضی اقطاعی نیز از دیگر عوامل اثرگذار بوده است که پیش‌تر اشاره شد.

#### ۵-۲- تأثیر سیاست‌های حکومت

سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی، که در جغرافیایی خاص با پراکنش نامنظم باران قرار داشت، اهمیت آب و نحوه استفاده از آن را بیان می‌کند و کم‌کاری یا عدم دخالت دولت در امور آبیاری و توجه به زیرساخت‌ها می‌توانست نتایج زیان‌باری برای کشاورزی داشته باشد. به بیان بهتر نظارت دولت بر آبیاری و کشاورزی یک نوع سیستم موسوم به «سیستم زراعی»<sup>۱</sup> به وجود می‌آورد. در این حالت دولت با مداخله مثبت در امور کشاورزی در بهبود اوضاع کشاورزی و افزایش محصولات زراعی تأثیرگذار بود. اما در زمان عدم دخالت دولت در این زمینه سیستم زراعی، که احتیاج به نیرویی قدرتمند برای اداره داشت، از بین می‌رفت و نتایج زیان‌باری را در پی داشت. به علت کمی آب و عدم رسیدگی به اراضی (عدم رعایت اصول کشاورزی) توانایی زمین در ایجاد محصول به علت از بین رفتن حاصلخیزی خاک و ایجاد فرسایش، محدود می‌شد. به دنبال فرسایش خاک، کشاورزی از رونق می‌افتاد و محصولات کشاورزی کم می‌شد. کمبود و کاهش محصولات باعث کاهش مواد غذایی می‌شد و کمبود مواد غذایی در کاهش جمعیت کشاورزان به دلیل مهاجرت روستاییان به مناطق شهری مؤثر بود و این مورد باعث نابودی اراضی کشاورزی می‌شد. گسترش روند مزبور به افزایش ناامنی کمک می‌کرد و ناامنی در از بین رفتن بیشتر کشاورزی تأثیرگذار بود و این چرخه در ایجاد قحطی مؤثر واقع می‌شد. (Butzer and et.al, 1985: 482)

تأثیر سیاست‌های دولت در ایجاد نابسامانی‌ها به شدت مؤثر بود. هرگاه حکومت در ایجاد تأسیسات آبیاری از خود همت نشان می‌داد، کشاورزی رو به پیشرفت بود. اما این حرکت مثبت، پایدار و دائمی نبود و به صورت مقطعی انجام می‌گرفت؛ به طور مثال اوضاع زیرساخت‌های آبیاری و

<sup>۱</sup>. Agro system.

کشاورزی در بین‌النهرین و بغداد در دوران حضور آل بویه در عراق همواره با شدت و ضعف همراه بود. معزالدوله در بهبود اوضاع کوشید، اما تلاش‌هایش با برخی سیاست‌ها، همچون واگذاری اراضی اقطاعی، که معایب آن در سطور پیشین گفته شد، از میان رفت. (الدوری، ۱۹۹۵: ۶۵-۶۳) در دوران فرزندش، عزالدوله، نیز هیچ تأثیر مثبتی در مبحث آبیاری و ایجاد زیرساخت‌ها صورت نگرفت؛ تا اینکه با ورود عضدالدوله به عراق و اقدامات وی اوضاع کشاورزی و درآمدهای مالی دولت بهبود یافت. اما پس از مرگ وی و درگیری شاهزاده‌های آل بویه با یکدیگر اوضاع مانند گذشته شد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۴۸۰-۴۷۹)

در منطقه تحت نظر حمدانیان نیز شرایط بهتر از این نبود. ناصرالدوله حمدانی با مجبور کردن کشاورزان به کشت محصولات، مانند برنج و گندم به جای محصولات سنتی آن منطقه، مانند پنبه، از یک سو و عدم توجه به آبیاری و زیرساخت‌های آن از سویی دیگر در تضعیف کشاورزی موصل اثرگذار شد. (ابن‌حوقل، ۱۸۷۲: ج ۲، ۱۴۲)

در دوران پیش از ورود آل بویه به بغداد نیز شرایط چندان مطلوب نبود. در دوران درگیری‌های میان امیرالامراها نه‌تنها اقداماتی در راستای ساخت و تأسیس زیرساخت‌های آبیاری صورت نگرفت، بلکه در این درگیری‌ها تخریب این زیرساخت‌ها برای برتری بر حریف نیز دیده می‌شد؛ به عنوان نمونه می‌توان از تخریب نهر دیالی توسط ابن رائق برای شکست بچکم اشاره کرد. (Tholib, 2009: 361)

قطع درختان خرما، منطقه شماسیه توسط ابن طاهر برای جلوگیری از پیشروی سپاه معتز از دیگر موارد بی‌کفایتی افراد حکومتی است. (کریمی قهی، ۱۳۹۳: ۸۴-۷۷) همچنین در این درگیری بخشی از زیرساخت‌های آبیاری توسط مستعین از بین رفت که در کاهش محصولات غذایی و افزایش قیمت اثر گذاشت و در تخریب روستاها و افول کشاورزی نقش داشت. (Nasrat and Al- Ansari, 2020: 257 مسکویه شرایط عراق پیش از ورود آل بویه را به‌خوبی بیان کرده است:

در این سال (۳۳۳ ه.ق) گرانی بیداد کرده، مردم بی‌نان ماندند؛ تا آنجا که مردگان گندیده و علف‌ها را هم خوردند. چون چارپایان سرگین می‌انداختند، گروهی گرد آمده آن را باز می‌کردند، تا اگر جویی در آن یافت شود بخورند. مردم تخم قطونا<sup>۱</sup> را در آب شسته، بر تخته آهنین پهن کرده، روی آتش بو می‌دادند و می‌خوردند و از این رو گروهی ورم روده گرفته، بیشترشان مردند و باقی‌ماندگان نیز مرده‌نما شدند. مرد و زن و کودک کنار راه‌ها نیم‌مرده ایستاده، آن قدر ناله گرسنگی سر می‌دادند، تا

<sup>۱</sup>. هر دانه خوردنی و شاید تخمه قطن پنبه باشد.



می‌افتادند و می‌مردند. اگر کسی پاره نانی می‌یافت آن را در زیر لباس می‌پوشانید و گرنه با زور از وی گرفته می‌شد. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۰)

ایجاد چنین شرایطی در سال ۳۳۳ قمری نه به خاطر کمبود بارش، بلکه ناشی از عدم مدیریت صحیح حاکمین بوده است که در بروز قحطی بسیار اثرگذار بود. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۱۳۰) از دیگر عوامل بروز قحطی در مناطق اسلامی، غارت روستاها در جنگ توسط نظامیان بود. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، ۲۵۳؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۴۶) جدا از موارد مذکور و تخریب اراضی کشاورزی توسط نیروهای شکست‌خورده در بازگشت یا فاتحین پس از پیروزی، سیاست‌های جنگی حاکمان در زمان پیکار نیز در کمبود مواد غذایی مؤثر بود. (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۳، ۵۸۱۰؛ مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۹۷۳)

در منطقه بین‌النهرین بارش باران‌های سیل‌آسا باعث طغیان مرتب رودهای دجله و فرات می‌شد که این واقعه نه تنها باعث تخریب منازل و دشواری شرایط زندگی می‌شد، بلکه در از بین رفتن اراضی کشاورزی و محصولات و بالا رفتن قیمت و ایجاد تورم نیز مؤثر بود. طغیان رودها زمانی باعث این شرایط می‌شد که بندها و زیرساخت‌های عمرانی توسط حاکمین به‌خوبی محافظت نمی‌شد. گرچه طغیان رود مخصوص به عراق نبود و در سایر مناطق همچون خوزستان نیز اتفاقات مشابه به وقوع می‌پیوست. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۹، ۵۱) از این رو باید اشاره کرد که اعمال سیاست‌های نادرست توسط حاکمین در اکثر مناطق شرق خلافت اسلامی خاصه عراق، در از بین رفتن محصولات کشاورزی و تخریب اراضی مؤثر بود.

## ۶-۲- عوامل اقلیمی

کشاورزی به عنوان پیشه اصلی ساکنین روستا، همواره جدا از تلاش و کوشش مداوم به برخی عوامل همچون شرایط اقلیمی و وضعیت جوی نیز وابسته بود. افزون بر موارد ذکرشده، که از مهم‌ترین چالش‌های کشاورزی بودند، عوامل اقلیمی و حوادث غیرمترقبه نیز در بروز مشکلات کشاورزی بی‌اثر نبود. ایجاد آفت در محصولات کشاورزی و حملات حشرات مزاحم، همچون ملخ، به اراضی مزروعی یکی از مواردی است که به وفور در منابع از آن یاد شده است. ابن‌اثیر به هجوم ملخ‌ها به مزارع در سال ۳۴۲ قمری در مناطق موصل، اهواز و جزیره اشاره کرده است. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ج ۲۰، ۲۲۵) مسکویه و ابن‌القیه نیز به حملات ملخ‌ها و نابودی مزارع و باغات اشاراتی داشته‌اند. (مسکویه، ۱۳۷۶: ج ۶، پاورقی ۲۱۴؛ ابن‌القیه، ۱۳۴۹: ۹۲) بروز زلزله، که در زمرة حوادث غیرمترقبه قرار می‌گیرد نیز، کنار سایر عوامل در ایجاد شرایط نامطلوب کشاورزی اثرگذار بوده

است و با توجه به قرارگیری ایران روی کمربند زلزله آلپ-همالیا، این حادثه ناگهانی نیز صدماتی را به اراضی کشاورزی وارد آورده است.

زلزله سال ۲۴۱ قمری در ری (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۷، ۲۴۶)، زلزله سال ۲۰۳ قمری در خراسان (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ج ۱۶، ۲۹۸) زلزله‌های سال ۲۴۵ قمری در عسکرمهدی و مداین (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۴، ۶۰۶۲) تنها نمونه‌هایی از تعداد بی‌شماری زلزله است که جدا از همه مشکلات در نابودی بسیاری از قریه‌ها و تخریب اراضی زراعی و زیرساخت‌های آبیاری و کاهش محصولات کشاورزی نیز اثرگذار بود. وقوع خشکسالی در پی کمبود بارش نیز از دیگر عواملی بود که اثرات منفی بر بخش کشاورزی داشت. (طبری، ۱۳۷۵: ج ۱۵، ۶۶۹۱؛ ابن‌العبری، ۱۳۷۷: ۲۱۰)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### نتیجه‌گیری

بر بنیاد این پژوهش و با استناد به منابع این دوره می‌توان نتیجه گرفت که در دوره مذکور عوامل مختلفی در ایجاد چالش اقتصادی در کشاورزی اثر داشته که بخش زیادی از آن به عدم مدیریت صحیح از جانب فرمانروایان باز می‌گردد. به بیان بهتر پیشه کشاورزی در زمره مشاغل قرار دارد که در صورت انجام اقدامات اساسی هماهنگ با اصول کشاورزی همچون آبیاری، آیش، تناوب زراعی، انتخاب محصول متناسب با زمین و شرایط جغرافیایی منطقه نه‌تنها می‌تواند در بهبود شرایط زندگی مردم روستا مؤثر باشد بلکه با افزایش محصولات در بهبود شرایط اقتصادی حکومت‌ها نیز نقش انکارنشده دارد.

به دلیل نبود یک برنامه مدون برای اجرای این اقدامات یا مقطعی بودن آن از سوی فرمانروایان و خلفا، گسترش نظامی‌گری در حکومت‌های این دوران و کمبود توان مالی برای پرداخت حقوق ایشان، حاکمین برای حل این مشکل بهترین راه را در واگذاری اراضی کشاورزی به نظامیان نابلد در اداره زمین دانستند. تغییرات مکرر مالکیت اراضی کشاورزی، ناامنی‌های ناشی از جنگ‌های فراوان میان حکومت‌های محلی مختلف تشکیل شده در این برهه با یکدیگر و قیام‌های ناشی از مشکلات اقتصادی به دلایل گوناگون، مانند درگیری‌های سران حکومتی با یکدیگر و شورش اقشار فرودست اجتماعی، نبود یک نظام کارآمد دریافت خراج و ظلم و ستم محصلین مالیات بر روستاییان، از عوامل چالش‌زا و اثرگذار اقتصادی بر کشاورزی در قرون سوم و چهارم هجری قمری بود.

حذف تدریجی نقش دهقانان در اداره اراضی مزروعی و از بین رفتن نفوذ سیاسی ایشان در گذر زمان از دیگر عوامل مهم در این زمینه بود. با کنار رفتن دهقانان از مدیریت زمین‌های کشاورزی و ورود افراد بی‌تجربه در این زمینه، کم‌کم قشر دهقان ساکن در روستا، که در سالیان متمادی و با به کارگیری تجربه، نحوه بهره‌برداری صحیح از زمین و تأمین عایدات را دریافته بودند، انگیزه‌های خود را برای بهره‌برداری از اراضی از دست داده و این دلیل نیز از مهم‌ترین چالش‌های کشاورزی و عوامل محدود کننده پیشرفت این پیشه و تولید محصول در قرون مذکور بود.

منابع و مأخذ

۱. ابن رسته، الاعلاق النفیسه، (۱۳۸۰). ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱). الكامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، نشر مؤسسه مطبوعاتی علمی، جلد ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰.
۳. ابن اسفندیار، محمدبن حسن، (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چاپ دوم، تهران، نشر پدیده خاور.
۴. ابن العبری، (۱۳۷۷). مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. ابن الفقیه، ابوبکر محمد بن اسحاق، (۱۳۴۹). البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۶. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، (۱۳۵۱/۱۸۷۲م). المسالک و الممالک، لیدن، مطبعة بریل.
۷. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، (۱۳۷۱). مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، بی‌جا، مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی.
۸. ابن خلدون، (۱۳۶۳). العبر: تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، جلد ۱، ۲ و ۳.
۹. ابن طقطقی، (۱۳۶۰). تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۰. ابن فندق، (۱۳۶۱). تاریخ بیهق، تصحیح احمد بهمنیار، چاپ سوم، تهران، نشر فروغی.
۱۱. اصطخری، ابواسحاق بن ابراهیم بن محمد، (۱۳۴۰). مسالک و ممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۲. الدوری، عبدالعزیز، (۱۳۷۴/۱۹۹۵م). تاریخ العراق الاقتصادی فی القرن الرابع الهجری، الطبعة الثالثة، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۴). پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری و مالی عصر عباسی اول، با مقدمه، ترجمه و تعلیق رمضان رضایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی.

۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷). فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
۱۵. بوسه، هریبرت، (۱۳۹۷). «ایران در زمان بوئیان»، تاریخ ایران کمبریج، ویراسته ار.ال. فرای، ترجمه تیمور قادری، چاپ چهارم، تهران، نشر مهتاب، جلد ۴.
۱۶. جرفادقانی، ابوالشرف ناصح بن زفر، (۱۳۷۴). ترجمه تاریخ یمینی، به تحقیق جعفر شعار، چاپ سوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. راوندی، مرتضی، (۱۳۵۷). تاریخ اجتماعی ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد ۳.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۵۹). تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد ۴.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۵۶/۲۵۳۶ش)، دو قرن سکوت، چاپ هفتم، تهران، انتشارات جاویدان.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران، نشر اساطیر، جلد ۱۳، ۱۴، ۱۵.
۲۱. قمی، حسن بن محمد، (۱۳۶۱). تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبد الملك قمی، به تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران، نشر توس.
۲۲. کریستنسن، آرتور، (۱۳۸۲). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران، صدای معاصر.
۲۳. کریمی قهی، منصوره، (۱۳۹۳). «تأثیر شرایط اقلیمی و سیاست گذاری‌های اقتصادی بر انحطاط اقتصادی شهر بغداد در عصر خلافت عباسی»، تاریخ اجتماعی و اقتصادی، شماره ۲، سال ۳، ۸۷-۶۹.
۲۴. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک بن محمود، (۱۳۶۳). زین الأخبار، به تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.
۲۵. لسترنج، گی، (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. لمبتون، ا.ک.اس، (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، چاپ سوم، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند،

- تهران، نشر نی.
۲۸. متز، آدام، (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، انتشارات امیرکبیر، جلد ۱.
۲۹. مسکویه، ابوعلی، (۱۳۷۶). تجارب الأمم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، نشر توس، جلد ۵ و ۶.
۳۰. مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر بناء، (۱۳۶۱). أحسن التقاسیم فی المعرفة الأقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان، جلد ۲.
۳۱. مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه، جلد ۲.
۳۲. نرشخی، ابو بکر محمد بن جعفر، (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، چاپ دوم، ترجمه ابو نصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تحقیق محمدتقی مدرس رضوی، تهران، نشر توس.
۳۳. نعمانی، فرهاد، (۱۳۵۸). تکامل فنودالیسم در ایران، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، جلد ۱.
۳۴. نوری، محمد یوسف، (۱۳۸۱)، مفاتیح الأرزاق یا کلید در گنج‌های گهر، با مقدمه، تنقیح و توضیح هوشنگ ساعدلو، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، جلد ۱.
۳۵. یوسفی فر، شهرام، (۱۳۹۰). شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
36. Adamo, Nasrat, and Nadhir Al-Ansari, (2020), "The Decline", *Earth Sciences and Geotechnical Engineering* 10, no. 3, 253-281.
37. Butzer, Karl W, Juan F. Mateu, Elisabeth K. Butzer, and Pavel Kraus. (1985), "Irrigation agrosystems in eastern Spain: Roman or Islamic origins?" *Annals of the Association of American Geographers* 75, no. 4, pp 479-509.
38. Tholib, Udjang, (2009), "The Economic Factors of the 'Abbasid Decline During the Buwayhid Rule in the Fourth/Tenth Century." *Al-Jami'ah: Journal of Islamic Studies* 47, no. 2, 343-376.